

مدیریت سازمان به مثابه یک ماشین (۵)

دکتر ابوالفتح لامعی ۱۴۰۳/۱۰/۹

قبل از هر چیز میل دارم نکته‌ای را روشن کنم و آن اینکه من نوشتن این یادداشت‌ها را بدون طرح و برنامه قبلی شروع کردم. بدین معنا که این کار را یک کار زنده تلقی کردم و با این باور که در یک کار زنده، مثل خود زندگی، نظم پیدا می‌شود. هم اکنون نظم مورد نظر پیدا شده است و از این پس یادداشت‌ها با نظم و توالی قابل درک‌تری نوشته خواهند شد. در آغاز، توضیح کوتاهی درباره مفهوم پارادایم ارائه خواهم داد؛ سپس تاثیر پارادایم نیوتنی بر عرصه‌های علمی مختلف و پیامدهای آن را به اجمال بحث خواهم کرد؛ در ادامه درباره ویژگی‌های مهم سیستم‌ها را از منظر این پارادایم توضیح دهم. در نهایت تاثیر استفاده از این پارادایم بعنوان یک استعاره برای مدیریت/رهبری سازمان‌ها را ارائه خواهم داد.

واژه پارادایم ریشه یونانی دارد و در اصل یک واژه علمی بود که امروز به گونه‌ای متفاوت استفاده می‌شود.^۱ بدین معنا که امروز بیشتر بعنوان یک الگوی ذهنی^۲، یک نظریه، ادراک، فرض یا جهان‌بینی استفاده می‌شود. یعنی به گونه‌ای که دنیا را می‌بینم، تفسیر می‌کنیم و درک می‌کنیم. کاوی برای ساده‌کردن فحو این واژه مطرح می‌کند که پارادایم مثل یک نقشه است در پیشنهاد او نکته جالبی نهفته است و آن اینکه یک نقشه فقط بعضی از مشخصات یک منطقه را به صورت کاملاً ساده نشان می‌دهد. این همان کاری است که یک پارادایم نیز می‌کند. ممکن است یک پارادایم بخشی از واقعیت را نشان دهد؛ حتی ممکن است یک الگوی ذهنی نادرستی درباره واقعیت ارائه دهد. فرص کنید شما در تهران جای یک نشانی می‌گردید اما نقشه‌ای که در اختیار دارید نقشه تبریز است که به اشتباه بر روی آن عبارت «نقشه تهران» چاپ شده باشد. شما محال است که بتوانید با این نقشه نشانی خود را در تهران پیدا کنید. زیرا نقشه نادرستی در اختیار دارید. نتیجه اینکه پارادایم‌ها چیزهای یقینی و قطعی نیستند. ما با پارادایم‌ها یعنی با الگوهای ذهنی و درک و تفسیری که از پدیده‌ها، افراد و دنیا داریم زندگی می‌کنیم. اما نباید پارادایم‌ها یا الگوهای ذهنی یا جهان‌بینی‌های خودمان را درست و قطعی تلقی کنیم.

با وجود این، پارادایم‌ها در همه زمینه‌ها کاربرد وسیعی دارند. از این واژه بسیار بیشتر از آنچه تصور می‌کنیم استفاده می‌شود. اگر کاربردهای آن در زندگی روزانه را کنار بگذاریم تقریباً در همه علوم از آن استفاده می‌شود. همچنانکه ممکن است افراد عادی، سیاستمداران، سیاستگذاران و تصمیم‌گیران در رابطه با هر موضوعی پارادایم‌ها/الگوهای ذهنی متفاوت داشته باشند، دانشمندان هر رشته علمی نیز

¹ Covey SR. The 7 habits of highly effective people: restoring the character ethic. Free Press. 2004

² Mental model

ممکن است پارادایم‌ها/الگوهای ذهنی متفاوت داشته باشند. همچنین، همان طور که ممکن است افراد عادی، سیاستمداران، سیاستگذاران و تصمیم‌گیران پارادایم‌ها/الگوهای ذهنی خودشان را تغییر دهند، دانشمندان نیز پارادایم‌ها/الگوهای ذهنی خود را تغییر می‌دهند. معمولاً تغییر پارادایم یک نقطه عطف محسوب می‌شود. شما یک پدیده را یک جور می‌دیدید، تفسیر می‌کردید و درک می‌کردید با تغییر پارادایم، نگاهی متفاوت، تفسیری متفاوت و درکی متفاوت خواهید داشت. تغییر پارادایم برای بحث ما در زمینه استفاده از یک پارادایم بعنوان یک استعاره برای مدیریت/رهبری سازمان‌ها بسیار حائز اهمیت است و به موقع درباره آن بحث خواهیم کرد.

پارادایم‌ها نه تنها برای تفسیر و درک واقعیت‌ها، آنگونه که هستند، استفاده می‌شوند بلکه برای آنگونه که باید باشند — یعنی ارزش‌ها — نیز استفاده می‌شوند. ما هر چیزی را با این دو گروه از پارادایم‌ها/الگوهای ذهنی تفسیر می‌کنیم. ما هرگز درباره درستی پارادایم‌ها/الگوهای خود تردید نمی‌کنیم و حتی معمولاً از وجود آن‌ها بی‌خبریم. معمولاً تصور می‌کنیم آنگونه که اشیا را می‌بینیم واقعیت دارند یا باید آنگونه باشند. اما آنگونه که ما می‌بینیم، منشا روشی است که فکر می‌کنیم و اقدام می‌کنیم.^۳

³ Covey SR. The 7 habits of highly effective people: restoring the character ethic. Free Press. 2004